



دانشگاه مازندران

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی تطبیقی نمودهای نوستالژیک در اشعار سهراب

سپهری و قیصر امین پور

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا پیروز

استاد مشاور:

دکتر مرتضی محسنی

استادان مدعو:

دکتر علی اکبر باقری خلیلی

دکتر سیاوش حق جو

دانشجو:

اصغر خوشه چرخ

بهمن: ۱۳۹۰

الله أكبر

## سپاسگزارى

سرآمد محسنات کلام ستایش صانعی که خلوتکده‌ی تنزیه را وجود او نواخت و نگارخانه‌ی تشبیه را نزول او مزین ساخت. و بدیع‌ترین صنایع اقلام، ورود مرسل‌ی که بیان کامل عیار را با سحر برسنجید و شعر بلند مقدار را با حکمت برکشید.

با سپاس فراوان از استادان گرانقدر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران به ویژه از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر غلامرضا پیروز که راهنمایی این پژوهش را بر عهده داشته‌اند و بنده را بیش از پیش درس صبر و اخلاق آموخته‌اند. قدرانی و تشکر ویژه از داوران محترم پایان‌نامه که با ظرافت و دقت علمی خویش ایرادهای این نوشته را به بنده یادآوری نموده‌اند. «همیشه داور را یاور خود بدانیم»

سپاس فراوان از پدر و مادر، برادر و خواهرم و تمام مشوق‌های خودم در این راه که از دوران ابتدایی تا بدین حال دست یاریگر آنها از تمام جوانب دلگرمی بنده را مهیا نمود. تقدیر و تشکر ویژه از همسر عزیزم سرکار خانم سکینه خوشه‌چرخ که در نوشتن و تهیه منابع این جانب را تنها نگذاشتند، و حس دلگرمی ایشان مایه امیدواری بنده بوده و خواهد بود. بی‌شک این مجموعه اندک را مدیون تک تک این عزیزان هستم. سربلندی و بهروزی روزافزون این عزیزان نوستالژی آینده‌گرا این حقیر می‌باشد.

تقدیم به دستان خسته پدرم و چشمان منتظر مادرم

## چکیده

nostalgia واژه‌ی فرانسوی که از دو سازه‌ی یونانی nostos = بازگشت و alogia = درد و رنج تشکیل شده که معنی لغوی آن بازگشت درد و رنج می‌باشد؛ حاصل معنی این اصطلاح را با توجه به معنای متنوع آن در فرهنگ علوم انسانی «غم‌غربت، حسرت دلتنگی به گذشته و اشتیاق مفرط برای بازگشت به گذشته، احساس حسرت و دلتنگی برای وطن و...» دانسته‌اند. این حس از لحاظ روانشناختی نتیجه‌ی یادآوری ذهنی یا آرمان‌پنداری اشخاص می‌باشد که بنا به دلایل و زادمان‌های گوناگون - دوری از وطن، مهاجرت، ناکامی در زندگی شخصی، سوگ از دست رفتن دوستان، از دست رفتن موقعیت‌های طلایی، کهولت‌پذیری و... در فرد پدید می‌آید که ناخودآگاه و از حوزه‌ی اختیار فرد خارج است و در مولفه‌های گوناگون در شخصیت و زبان فرد به ظهور می‌رسد. این حس ایجادشده‌ی درون فرد بر مبنای خاستگاه‌های گوناگون قابل تقسیم‌بندی است. از آن جایی که ادبیات تجلی‌گاه عواطف و احساسات پاک انسانی است این حس ناخودآگاه در متون ادبی ما جلوه‌ای خاص دارد و در بعضی از متون ادبی بنا به دلایلی نمود بارزتری پیدا می‌کند. نقد روانشناختی در حوزه‌ی ادبیات، بررسی این حس در آثار شاعران و نویسندگان را بر عهده دارد. قیصر امین‌پور و سهراب سپهری از نظر سبک فکری و جهان‌ذهنی دارای نقاط اشتراکی هستند که می‌توان حس نوستالژیکی را در آثار ایشان به صورت تطبیقی مورد تحلیل و بررسی قرار داد. «غم‌غربت، دوران کودکی، رنجیدگی از نفي ارزش‌ها» از برجسته‌ترین مبانی ایجاد در آثار سپهری و «نزول ارزش انسانیّت، خاطرات دوران کودکی، دوری از وطن، خاطرات جبهه و جنگ، انتظار» از برجسته‌ترین مبانی ایجاد در آثار امین‌پور می‌باشد.

«طبیعت‌ستایی، احساس تنهایی، مرگان‌اندیشی، نقاشی، هنر شاعری» از برجسته‌ترین مولفه‌ی ظهور در آثار سپهری و «روی آوری به اساطیر ملی و مذهبی، مرگان‌اندیشی، احساس تنهایی، روی آوری به هنر» از برجسته‌ترین مولفه‌ی ظهور در آثار امین‌پور می‌باشد.

در بررسی و تطبیق این مولفه‌ها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف) شگرد بازگشت به گذشته در اشعار امین‌پور غالباً به صورت «خاطره‌ی شخصیت» است و دارای یک خط زمانی برگشت بر مبنای حس نوستالژیکی درونی خویش؛ در حالی که شکل بازگشت به گذشته در اشعار سپهری فاقد یک زمان خطی و گاه‌مند و منش روانشناسیک می‌باشد.

ب) امین‌پور در نوستالژی آینده‌گرا جلوه‌ی بهتر، آرمان‌طلبی و بی‌شتر و اعتراض و بی‌وضع کنونی نیز بیشتر از سپهری است، به عبارت دیگر خاستگاه نوستالژی در سپهری انفرادی‌تر می‌باشد.

ج) هر دو شاعر حس نوستالژیکی درون خویش را تحت تأثیر تأثرات فضای روانی خویش بیان نموده‌اند لذا نمی‌توان این احساس را در درون هنرمندان کاملاً تافته جدا بافته از جامعه دانست.

**کلید واژگان:** نوستالژی، مبانی ایجاد، برآیند ظهور، سهراب سپهری، قیصر امین‌پور.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول

۹	۱. مقدمه
۹	۱-۱. بیان مسأله
۱۱	۲-۱. پرسش‌های پژوهش
۱۱	۳-۱. پیشینه‌ی تحقیق
۱۲	۴-۱. حدود پژوهش
۱۲	۵-۱. اهداف پژوهش
۱۲	۶-۱. روش پژوهش

### فصل دوم

۱۵	۲. مبانی نظری پژوهش
۱۵	۱-۲. نوستالژی
۱۵	۱-۱-۲. ریشه‌شناسی نوستالژی
۱۶	۲-۱-۲. تعریف نوستالژی
۱۷	۳-۱-۲. رابطه‌ی نوستالژی و ادبیات
۲۱	۴-۱-۲. نوستالژی و مکتب رمانتیک
۲۲	۲-۲. مبانی پیدایش نوستالژی
۲۳	۱-۲-۲. غم غربت
۲۵	۲-۲-۲. مهاجرت
۲۷	۳-۲-۲. حسرت دوران گذشته
۲۸	۴-۲-۲. سوگ عزیزان
۲۸	۵-۲-۲. ناکامی در رسیدن به آرمانشهر
۳۰	۶-۲-۲. موسیقی
۳۱	۷-۲-۲. خاطرات شاخص
۳۲	۸-۲-۲. کهولت‌پذیری
۳۳	۳-۲. برجسته‌ترین برآیند ظهور نوستالژی

۳۴	۱-۳-۲. برآیندهای منفی (آسیب) احساس نوستالژیکی
۳۴	۱-۱-۳-۲. انزوای طلبی
۳۵	۲-۱-۳-۲. اعتیاد
۳۶	۳-۱-۳-۲. آرمان‌پنداری و بعضی از بیماری‌های تخیلی
۳۶	۲-۳-۲. برآیندهای مثبت احساس نوستالژیکی
۳۶	۱-۲-۳-۲. روی آوری به هنر
۳۸	۲-۲-۳-۲. طبیعت‌ستایی
۳۹	۳-۲-۳-۲. آرکائیسم
۴۱	۴-۲. برجسته‌ترین مولفه‌های نوستالژی در حوزه‌ی زبان شعری
۴۳	۱-۴-۲. واژه
۴۵	۲-۴-۲. رنگ
۴۶	۳-۴-۲. تصویر
۴۷	۴-۴-۲. تخلص
۴۷	۵-۲. تقیسم‌بندی مفهوم نوستالژی
۴۷	۱-۵-۲. بر مبنای خاستگاه
۴۸	۲-۵-۲. بر مبنای تقدم و تأخر زمانی
۵۲	۳-۵-۲. بر مبنای میزان تداوم
۵۳	۶-۲. نوستالژی در ادبیات کلاسیک
۵۴	۷-۲. نوستالژی در ادبیات معاصر

### فصل سوم

۵۶	۳. زندگی، آثار و اندیشه‌ی دو شاعر
۵۹	۲-۳. زندگی، آثار و اندیشه‌ی سهراب سپهری
۶۱	۱-۳. زندگی، آثار و اندیشه‌ی قیصر امین‌پور

### فصل چهارم

#### بخش اول

۶۵	۱-۴. نوستالژی در اشعار سهراب سپهری
۶۵	۱-۱-۴. مبانی ایجاد نوستالژی در اشعار سهراب سپهری
۶۵	۱-۱-۱-۴. غم غربت
۶۷	۲-۱-۱-۴. دوران کودکی
۷۰	۳-۱-۱-۴. رنجش از نفي ارزش‌ها

- ۷۳ ..... ۲-۱-۴ . مولفه‌های حس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری
- ۷۳ ..... ۱-۲-۱-۴ . طبیعت ستایی
- ۷۶ ..... ۲-۲-۱-۴ . احساس تنهایی
- ۷۹ ..... ۳-۲-۱-۴ . مرگ‌اندیشی
- ۸۲ ..... ۴-۲-۱-۴ . نقاشی
- ۸۴ ..... ۵-۲-۱-۴ . شعر
- ۸۸ ..... ۶-۲-۱-۴ . رنگ

### بخش دوم

- ۹۷ ..... ۲-۴ . نوستالژی در اشعار قیصر امین پور
- ۹۷ ..... ۱-۲-۴ . مبانی پیدایش نوستالژی در اشعار قیصر امین پور
- ۹۷ ..... ۱-۱-۲-۴ . رنج از نزول ارزش‌ها
- ۱۰۲ ..... ۲-۱-۲-۴ . دوران کودکی
- ۱۰۵ ..... ۳-۱-۲-۴ . غم غربت
- ۱۰۹ ..... ۴-۱-۲-۴ . خاطرات جبهه و جنگ
- ۱۱۱ ..... ۵-۱-۲-۴ . انتظار
- ۱۱۳ ..... ۶-۱-۲-۴ . حسرت سوگ دوستان
- ۱۱۵ ..... ۲-۲-۴ . مولفه‌های ظهور نوستالژی در اشعار قیصر امین پور
- ۱۱۵ ..... ۱-۲-۲-۴ . روی آوری به اساطیر
- ۱۱۸ ..... ۲-۲-۲-۴ . مرگ‌اندیشی
- ۱۲۱ ..... ۳-۲-۲-۴ . احساس تنهایی
- ۱۲۳ ..... ۴-۲-۲-۴ . روی آوری به هنر

### فصل پنجم

- ۱۲۹ ..... نتیجه‌گیری
- ۱۳۴ ..... منابع و مآخذ

# فصل اول

## مقدمه



## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

نوستالژی -nostalgia- واژه‌ی فرانسوی که معنی لغوی آن «بازگشت درد و رنج» می‌باشد در فرهنگ آکسفورد نوستالژی -nostalgia- «حسرت نسبت به آن چیزی که از دست رفته است» (Hornby, 2003: 840) بیان شده است. نوستالژی در ادبیات و متون ادبی ما رفتاری است برگرفته شده از یک حس ناخودآگاه که غالباً هم به صورت ناخودآگاه در آثار شاعر یا نویسنده بروز پیدا می‌کند و از همین رو اهمیت سبک‌شناختی می‌یابد. در زبان فارسی این واژه به غم‌غربت، احساس غربت، احساس تنهایی، حسرت و دلتنگی نسبت به گذشته‌ی ایده‌آل ترجمه شده است. پیدایش واژه نوستالژی مربوط به حوزه‌ی واژگانی علم پزشکی است «برخلاف حدس و گمان ما واژه‌ی نوستالژی نه از عالم شعر بلکه از پزشکی سر برآورده است این واژه ترکیبی از واژه‌ی یونانی nostos و واژه‌ی لاتین جدید algia می‌باشد. در سال ۱۶۸۸ برای نخستین بار در پایان‌نامه رشته پزشکی یوهانس هوفر، دانشجوی سوئسی ظاهر شد که می‌خواست با ابداع این واژه، حالت غمگین شدن ناشی از آرزوی بازگشت به سرزمین بومی را توضیح دهد. نوستالژی پرخاشگری بی‌موردی تولید می‌کند که موجب می‌شود شخص مبتلا به آن ارتباطش را با زمان حال از دست بدهد و آرزوی رسیدن به سرزمین بومی تنها دل‌مشغولی وی باشد» (تقی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۰۲). نوستالژی حس مشترک بین همه‌ی انسان‌هاست اما این احساس به لحاظ روانی زمانی تقویت می‌شود که فرد از گذشته خود فاصله بگیرد. این احساس در واقع حس بازگشت ذهنی حسرت‌آمیز هر فرد به گذشته‌ی مکانی یا زمانی که مبانی پیدایش و مولفه‌های ظهور متفاوت دارد و می‌تواند از دیدگاه علوم مختلف چون جامعه‌شناسی، روانشناسی، پزشکی، مردم‌شناسی، رفتارشناسی و... مورد تحلیل و بررسی روانشناسانه قرار بگیرد. از آن جایی که این احساس ایجاد شده در درون هر فرد، به طور ناخودآگاه در متون ادبی -خصوصاً در شعر- هم ظاهر می‌شود نقد روانشناختی تحلیل و بررسی این احساس ذهنی را در متون

ادبی بر عهده دارد. مفهوم نوستالژی در متون ادبی بنابر خاستگاه و دیدگاه مختلف متفاوت می‌باشد واکاوی و تحلیل مفاهیم و بررسی گستره‌ی معنایی این واژه از زوایای گوناگون ما را در شناخت ابعاد، کاربرد، مبانی و مولفه‌های این احساس ناخودآگاه در متون ادبی کمک شایانی می‌کند از این رو در فصل دوم این پایان‌نامه ریشه‌شناسی واژه نوستالژی، مفاهیم واژه نوستالژی بنابر خاستگاه گوناگون، برجسته‌ترین مبانی پیدایش و مولفه‌ی ظهور آن، رابطه نوستالژی با ادبیات، نوستالژی در مکتب رمانتیک مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

در این رساله -ضمن تقسیم‌بندی و تحلیل مفهوم نوستالژی از زوایای گوناگون- به بررسی مبانی پیدایش و مولفه‌های ظهور نوستالژی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور پرداخته شده است و افتراق و اشتراک بین این مولفه‌ها در آثار دو شاعر بیان شده است؛ از آن جای که هر دو شاعر تقریباً در یک دوره زمانی به سر می‌برند و امین‌پور در اواخر زندگی تا حدودی مانند سهراب سپهری به درون-گرایی روی می‌آورد؛ فرض شده که دو شاعر در مبانی ایجاد و بیان مولفه‌های احساس نوستالژیکی افتراق و اشتراکی داشته باشند. اما ذکر این نکته خالی از فایده نیست که احساسات نوستالژیکی در اشعار سپهری به خاطر اندیشه‌های عرفانی و تحت تأثیر بودن تعلیمات بودایی و عرفان شرق بیشتر جنبه فردی و در قالب هنر شعری و نقاشی به ظهور می‌رسد ولی در اشعار امین‌پور به خاطر اندیشه‌های انسان‌دوستانه و عرفان اجتماعی بیشتر جنبه‌ی فرافردی و اجتماعی دارد؛ به عبارت دیگر خاستگاه حس نوستالژیکی در سهراب سپهری فردی‌تر از خاستگاه این احساس در قیصرامین‌پور می‌باشد. تحلیل و بررسی، تطبیق مبانی و مولفه‌های حس نوستالژیکی که در اشعار سهراب سپهری و قیصر-امین‌پور به ظهور رسیده‌اند؛ برعهده‌ی این رساله می‌باشد که در قالب موضوعات زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

الف) مبانی ایجاد حس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری

ب) مولفه‌های ظهور حس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری

ج) مبانی ایجاد حس نوستالژیکی در اشعار قیصر امین‌پور

د) مولفه‌های ظهور حس نوستالژیکی در اشعار قیصر امین‌پور

ه) تطبیق مبانی و مولفه‌ها در بیان دو شاعر - نتیجه‌گیری -.

### ۱-۲. پرسش‌های پژوهش:

الف) برجسته‌ترین مبانی ایجاد حس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور کدامند؟

ب) برجسته‌ترین برآیند احساس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور کدام است؟

ج) موارد افتراق و اشتراک مولفه‌های نوستالژی در اشعار سپهری و امین‌پور کدام است؟

### ۱-۳. پیشینه‌ی تحقیق:

با توجه به مطالعات انجام گرفته، تألیف مستقلی چه در موضوع نوستالژی و چه در موضوع تحلیل تطبیقی این احساس در اشعار قیصر امین‌پور و سهراب سپهری به زبان فارسی به چاپ نرسیده است. مقاله‌ی «بررسی فرایند نوستالژی در اشعار سهراب سپهری» از مهدی شریفیان به بررسی جداگانه فرایند نوستالژی در اشعار سهراب سپهری پرداخت. هم‌چنین پروین سلاجقه در مقاله‌ی «نقد‌نشانه‌شناختی، ساختاری و تأویلی شعر شاسوسا سهراب سپهری» به برخی از مولفه‌های نوستالژی در شعر سپهری به صورت غیرمستقیم اشاره دارد و برخی از مسائل زبانی و فکری سهراب را ناشی از احساس درونی وی می‌داند. علاوه بر این؛ در بعضی از مقالات به بررسی این احساس درونی در آثار شاعران نو و کلاسیک پرداخته شده است که فهرست چند مقاله با موضوع نوستالژی - اگرچه مستقیماً ربطی به موضوع رساله‌ی ما ندارند - در پی‌نوشت همین فصل آمده است.

- «بررسی فرایند نوستالژی در اشعار سهراب سپهری» از مهدی شریفیان: در این مقاله به بررسی نوستالژی فردی و جمعی و رابطه‌ی آن با خاطره و هم‌چنین به تحلیل چند تا از مبانی این احساس در

اشعار سپهری پرداخته شده است. اما در این مقاله - و تقریباً دیگر مقالات نوستالژی در آثار شاعران دیگر که مورد مطالعه قرار گرفت - به چهارچوب نظری موضوع و بحث نوستالژی و مولفه‌های ظهور آن در زبان شعری توجه چندانی نشده است. به نظر می‌رسد می‌توان این موضوع را در مورد آثار برخی از شاعران ما به‌ویژه آثار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور به کار گرفت.

#### ۱-۴. حدود پژوهش:

اشعار سهراب سپهری (مجموعه هشت کتاب) و اشعار قیصر امین‌پور (مجموعه اشعار).

#### ۱-۵. اهداف پژوهش:

هدف نگارش پایان‌نامه تحلیل و بررسی مبانی ایجاد و برآیند ظهور احساس نوستالژیکی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور، و تطبیق این عناصر در آثار این دو شاعر می‌باشد تا از این رهگذر به فضایی تازه از اشتراک و افتراق فکری این دو شاعر دست یابیم.

#### ۱-۶. روش پژوهش:

شیوه پژوهش در این پایان‌نامه کیفی از نوع تحلیل و بررسی محتوا، به روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از سایت اینترنتی می‌باشد ابتدا مطالعاتی درباره‌ی مفهوم نوستالژی انجام و سپس ابعاد و تحلیل این مفهوم در آثار قیصر امین‌پور و سهراب سپهری مورد بررسی قرار گرفت.

## پی‌نوشت فصل اول

مقالات:

- «نوستالژی در افسانه نیما» از علی نصراللهی‌گردی: در این مقاله رابطه افسانه در ذهن نیما با افسانه در اثر نیما مورد بررسی قرار گرفت و - برای اولین بار- تقدیر به عنوان یکی از مبانی پیدایش حس نوستالژیکی معرفی شده است.
- «بررسی و تبیین مفهوم نوستالژی در اشعار نیما یوشیج» از مریم احمدی: به تحلیل و بررسی چند مورد از مبانی پیدایش احساس نوستالژیکی در اشعار نیما پرداخته شد.
- «نوستالژی در اشعار رودکی» از بهناز پیامنی: در این مقاله تقسیم‌بندی نوستالژی بر مبنای گوناگون مورد بررسی قرار گرفت و بعد به سه مولفه‌ی رنگ، واژه، تصویر در اشعار رودکی پرداخته شده است.
- «جوامعی در نوستالژی اجتماع» از سارا شریعتی و سوسن باستانی و بهناز خسروی: در این مقاله با نگاهی به پدیده معنویت‌های جدید در ایران و شکل‌گیری تفکر درمان نوستالژی در بین برخی از گروه‌ها بر اساس بعضی از عقاید خرافی، یک جامعه نوستالژیک مورد بررسی قرار گرفته است.
- «غم غربت در شعر معاصر» از یوسف عالی عباس آباد: در این مقاله سه مولفه‌ی نوستالژی آرکائیسم، اسطوره-پردازی، آرمان‌شهر در اشعار منوچهر آتشی، نادر نادرپور، مهدی اخوان‌ثالث مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.
- «بررسی فرایند نوستالژی در اشعار اخوان ثالث» از مهدی شریفیان.
- «بررسی فرایند نوستالژی در اشعار معاصر فارسی- نیما و اخوان ثالث» - از مهدی شریفیان.
- «بررسی فرایند نوستالژی - غم غربت - در اشعار فریدون مشیری» از مهدی شریفیان.
- «نوستالژی در دیوان طالب آملی» از غلامرضا پیروز و اصغر خوشه‌چرخ.
- «نوستالژی امام زمان (عج) با رویکرد آینده‌گرا» از احمد غنی پور ملک‌شاه، اصغر خوشه‌چرخ و رضا عبادی.
- «بررسی نوستالژی خاطره جمعی در شعر مهدی اخوان ثالث» از عبدالعلی اویسی کیخا و سیروس روستایی.
- «نمودهای نوستالژی اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی و مهدی اخوان ثالث» از احمد غنی پور ملک‌شاه، رضا عبادی و خدیجه نوروزی.
- «بررسی نوستالژی در اشعار نیما یوشیج و بدرشاگرد سیاب» از حمیدرضا مشایخی و هاجر نصرالله‌پور.
- «نوستالژی - دلتگی برای گذشته - در شعر کلاسیک عرفانی براساس غزلیات و قصاید و حدیقه سنایی، مخزن الاسرار نظامی، غزلیات و منطق الطیر عطار، غزلیات و مثنوی مولوی» از فاطمه کلاهچیان [پایان‌نامه‌ی دکترای تخصصی دانشگاه تربیت معلم به راهنمایی دکتر محمود فتوحی و مشاوره دکتر محمود عابدی و دکتر تقی پورنامداریان] که در سال ۱۳۸۶ دفاع شد.

# فصل دوم

## مفاهيم نظري پژوهش

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱. نوستالژی

#### ۲-۱-۱. ریشه‌شناسی نوستالژی

نوستالژی<sup>۱</sup> -nostaligi- واژه‌ی فرانسوی که از دو سازه‌ی یونانی nostos = بازگشت و alogos = درد و رنج تشکیل شده که معنی لغوی آن بازگشت درد و رنج می‌باشد. در فرهنگ فرانسه ذیل واژه‌ی nostalgia آمده است که؛ «حسی که به وسیله میل بسیار به دیدار دیار خود تولید شود = nostalgia» (اعتمادیان، ۱۳۸۱: ۴۳۶). در فرهنگ برابره‌ای ادبی «یاد و دریغ، غم غربت = nostalgia» بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). در فرهنگ فارسی-ایتالیایی ذیل «واژه‌ی دلتنگی لغت deitangi و deitang» ایتالیایی را آمده است (دل‌میستروس، ۱۳۵۸: ۳۲۶).

این واژه از عالم پزشکی وارد متون ادبی شده است (ر. ک به مقدمه همین رساله) آن چه از معنای لغوی این واژه بر می‌آید این است که؛ دو مفهوم بازگشت روانی و رنج روانی در دایره‌ی معنایی این واژه نهفته است ولی به طور کلی حاصل معنی این اصطلاح با توجه به معنای متنوع آن در فرهنگ علوم انسانی «غم غربت، حسرت دلتنگی به گذشته و اشتیاق مفرط برای بازگشت به گذشته، احساس حسرت و دلتنگی برای وطن، خانواده، دوران خوش کودکی، اوضاع خوش سیاسی، اقتصادی، مذهبی و...» (آشوری، ۱۳۸۱: ذیل واژه) می‌باشد. واژه‌ی نوستالژی در ادبیات در بردارنده‌ی رفتاری<sup>۲</sup> است که غالباً ناخودآگاه در آثار شاعر یا نویسنده بروز می‌کند و از همین رو اهمیت سبک-شناختی پیدا می‌کند. «نوستالژی در چهارچوب سبک‌شناختی مولف‌مدار<sup>۳</sup>، به ویژه هنگام بررسی روانشناختی اثر اهمیت بسیار می‌یابد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۹۶).

در دایره‌ی معنایی این واژه در زبان فارسی معانی چون؛ غم غربت، احساس غربت- Homesickness -، احساس تنهایی، احساس اندوه و رنج، حسرت خوردن نسبت به گذشته‌ی

ایده‌آل- واقعی یا خیالی- قرار دارد. به هر حال واژه‌ی nostalgia در گستره‌ی معنا لغوی خود دو مفهوم بازگشت و رنج، و در گستره‌ی معنای اصطلاحی خود احساس غربت روحی و روانی غالباً به خاطر دوری از وطن و حسرت ناشی از یادآوری ذهنی یک موقعیت بهتر که از دست رفته است؛ را در بر دارد.

## ۲-۱-۲. تعریف نوستالژی

از آن جایی که نوستالژی یک پدیده‌ی تازه وارد شده در ادبیات- به ویژه در ادبیات ما- است تعریف جامع و کاملی از این پدیده در گستره‌ی ادبیات صورت نگرفته و حتی اثری مستقلی در این زمینه وجود ندارد ولی تعاریف نه چندان کامل و جامع به صورت مستقیم یا غیر مستقیم- در قالب تنهایی رمانتیک، غربت و...- در بعضی از مقالات آمده است؛ عبارت‌اند از:

«نوستالژی از دیدگاه آسیب‌شناسی روانی به رویایی اطلاق می‌شود که از دوران گذشته پُراقتدار نشأت بگیرد گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد و باسازی آن ممکن نیست وقتی افراد در زندگی خود با موانعی روبه‌رو می‌شوند یا سلامت‌شان به خطر می‌افتد یا به پیری می‌رسند اولین واکنش آن‌ها راهی برای گریز است، اما در بسیاری از اوقات اگر در واقعیت عینی راهی برای گریز نیابند، بازگشت به گذشته‌ای را آرزو می‌کنند که در آن زندگی پُرشکوهی را داشته‌اند» (شریفیان، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

«نوستالژی: غم گنگ و گمنام جوانی که در سال‌های شکنندگی گریبان آدم را می‌گیرد، در شعر شاعران به صورت شکوه و شکایت از روزگار پدیدار می‌شود» (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

«نوستالژی در واقع همان رمانتیسم احیاء طلب است، گرایش به گذشته و دید احیاء طلبانه در باب گذشته در تمامی نحله‌های رمانتیک کم و بیش دیده می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

«حس غریبی است برای بازگشت به يك حس از دست رفته، یا اعاده‌ی موقعیتی دیرآشنا و کمال مطلوب که دیگر از کف رفته است؛ به عبارتی نوستالژی نوعی احساس فراق توأم با حسرت به گذشته



است و زمانی دست می‌دهد که آدمی با گذشت زمان قدر چیزی را که در گذشته از آن برخوردار بوده را بهتر شناخته باشد و بر محروم شدن از آن غبطه بخورد» (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۳).

آن چه در تعاریف بالا کمتر مورد توجه قرار گرفته شد؛ طبیعی بودن این احساس در بین انسان‌ها به عنوان یک ویژگی ذاتی و روانی که درون هر فرد وجود دارد «ژرف ساخت نوع ادبی گلایه و شکایت را، پروتوتایپ حسرت به دوران اساطیری و اهورایی و عصر نور می‌داند که زاده‌ی فطری بشر است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴۸). بنابراین در صورتی حس نوستالژیکی به عنوان یک ویژگی روانی و کنش رفتاری به حساب می‌آید که تداوم در تکرار داشته باشد و الزاماً همراه با رنج روحی و روانی باشد زیرا غم و اندوه بخش جدایی‌ناپذیر این واژه هستند. گاهی ممکن است بازگشت روانی به خاطرات گذشته و مرور ذهنی خاطرات زندگی برای انسان شادی روحی و موقعیت هیجان‌زا را در پی داشته باشد. مثلاً مرور آلبوم عکس عروسی برای یک زن و شوهر.

در نتیجه در تعریف نوستالژی شاید بتوان گفت: *نوستالژی یک احساس ناشی از افراط در بازگشت ذهنی و روانی حسرت‌آمیز هر فرد به گذشته مکانی یا زمانی - با مبانی پیدایش گوناگون - که در مولفه‌های زبانی، شخصیتی و... ظهور پیدا می‌کند.*

این احساس طبیعی یا عمومی و حتی غریزی در میان تمامی انسان‌ها وجود دارد و به لحاظ روانی زمانی تقویت می‌شود که فرد از گذشته ایده‌آل خود فاصله بگیرد و یا نسبت به آینده آرمانی خود احساس ناامنی بکند. مثلاً بنا به دلایل مختلف مجبور به ترک وطن خود باشد، فرد در یک رابطه عاشقانه دچار شکست عشقی شود و یا رسیدن به آینده آرمانی برایش غیر ممکن باشد و...

۲- ۱- ۳ **رابطه نوستالژی و ادبیات** (نقد روانشناختی): اصطلاح *nostalgia* از حوزه‌ی آسیب-شناسی روانی<sup>۴</sup> وارد حوزه‌ی ادبیات شده و تحلیل آن بیشتر در حوزه‌ی نقد روانشناختی صورت می‌گیرد. بحث نوستالژی در ادبیات بیشتر با بررسی مولفه‌های زبانی ناشی از این احساس صورت می‌

پذیرد «تداعی مفاهیم ذهنی از طریق قافیه می‌تواند بسیاری از جوانب زندگی و روحی هنرمند و اندیشه‌ها و تأملات گذشته وی را که در وجدان مغفوله‌ی اوست بار دیگر در نظرش مجسم کند و شاعر از این رشته‌ی تداعی‌ها آن چه را به کار ساختمان معنوی شعر می‌آید ثبت کند و اثر خویش را تکمیل نماید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۹۰). واژگان زبانی هر فرد برآمده‌ی از روان آن فرد است و تحلیل واژگان تحلیل روان شاعر است و پیوند ادبیات و روانشناسی. «ادبیات الگوهای را ارائه می‌کند که به نحوی منحصر به فرد معنا دار هستند و به روان‌کاو و بیمار، هر دو، اجازه می‌دهد که در شکل‌بندی جدید در رویاها، نشانگان، تداعی‌های تصادفی را ادراک کنند» (راباته، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

تاریخ روان‌کاوی و نقد ادبی روان‌کاوانه در جهان با فروید در اوایل قرن بیستم و نگرش‌های جدید وی نسبت به روان آغاز می‌شود. در چند دهه‌ی اخیر نقد روان‌کاوانه از پویاترین و پرکاربردترین رویکردهای نظریه ادبی معاصر بوده است اما؛ محققان ما در عرصه‌ی نقد ادبی از یک سو کمتر به این نقد پرداخته‌اند و از سوی دیگر؛ تحقیقات محدود آن‌ها بیشتر به آثار درون‌گرایانه و پر رمز و رازی چون بوف کور و مکاتب خاصی مانند سورئالیسم منحصر بوده است. «در نقد روان‌کاوی متن<sup>۵</sup> در ژرف‌ترین لایه‌های معنایی خود به آینه‌ی بدل می‌شود که آسیب‌ها و نژندهای روانی آفریننده خود را نشان می‌دهد» (یاوری، ۱۳۷۴: ۲۲). نوستالژی در نقد روان‌کاوانه می‌تواند از دیدگاه فروید-عقدی ادیپ- و از دیدگاه یونگ -ناخودآگاه جمعی- مورد بررسی قرار بگیرد. «فروید نشان داد که چگونه برون ریختن تعارضات نهفته روانی و آشکار شدن آرزوهای سرکوب شده از تنش و فشار روانی ما کم می‌کند و تأثیر روان- درمانی دارد» (صناعی، ۱۳۴۸: ۱۲۱). به گفته‌ی وی «خاستگاه آفرینشگری در تعارضی است که در ذهن ناخودآگاه -نهاد=id- وجود دارد، ذهن ناخودآگاه دیر یا زود راه‌حلی برای این تعارض می‌یابد اگر راه‌حل خود برون‌گرا باشد، یعنی اگر فعالیتی را تقویت کند که توسط خود یا بخش آگاه شخصیت تعیین شده است، نتیجه آن در رفتار خلاق آشکار می‌شود. و

اگر راه‌حل یاد شده با خود مغایرت داشته، آن را واپس می‌زند، یا به صورت روان‌نژندی ظاهر می‌شود. بنابراین آفرینشگری و روان‌نژندی از منبع مشترکی که همان تعارض در ناخودآگاه است تغذیه می‌کنند» (جورج.اف، ۱۳۶۹، نقل از امین پور، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

در نتیجه «از آن جایی که روانکاوی و ادبیات هر دو با تجربه‌ی زبان، گفتار و حوزه‌ی خیال سروکار دارند، روابطشان با یکدیگر قهری می‌نماید چرا که ادبیات با غور در اقلیم درون و کوشش در بیان این عوالم کمک شایانی به پیشرفت روانکاوی کرد، از این رهگذر روانکاوی توانسته است از مرز آسیب‌شناسی روانی درگذرد و به پردازش نظریه‌های آفرینش هنری برسد. آفرینش ادبی یک رفتار است؛ هر اثر مانند معلول عینی روانشناختی است که یک روایت دارد و یک محتوای نهان. اثر ادبی عملاً فراافکنی زمینه روانی نویسنده است.» (غیاثی، ۱۳۸۲: ۱۶۸ و ۱۶۹). قرار دادن بحث نوستالژی در ادبیات را می‌توان در حوزه‌ی گسترده‌تر، رابطه‌ی بین روانکاوی و ادبیات مورد بررسی قرار داد. «روانکاوی و ادبیات رابطه‌ی دو نظام اندیشه است که با زبانی شدن ساختار ناخودآگاه و با متن شدن روان به یکدیگر نزدیک می‌شوند و یکدیگر را به پرسش می‌گیرند. یکی ناخودآگاه آن دیگر و این یک از راه آن دیگری سخن می‌گوید و کار ناقد روانکاو، از این چشم‌انداز، یعنی توجه به این معنا که: ساختار ادبیات همان ساختار ذهن است» (یاوری، ۱۳۷۴: ۶۰).

مطالعه‌ی روانشناسانه‌ی هنرمندان فقط از طریق آثار هنری آنها نیست، روانشناسی از چند طریق می‌تواند به وادی هنر و ادبیات وارد شود: «از طریق مطالعه‌ی فرایند خلاقیت و آفرینش، از طریق بررسی نوع آثار و قوانین آنها، از طریق بحث درباره‌ی هنرمندان و زندگی و شخصیت آنها و سرانجام از طریق مطالعه‌ی ارتباط آثار با مخاطبان» (امین پور، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

شاعران و هنرمندان به دلیل ظرافت طبع، بیشتر در معرض حس نوستالژیکی قرار می‌گیرند «شاعر با آفرینش شعر، حسی خداگونه می‌یابد و از طریق آن به لحظه‌های نابی دست می‌یابد که یگانه است»

(فلکی، ۱۳۷۸: ۶۰). ظهور حس نوستالژیکی در متون مختلف ادبی یکسان نیست بر اساس نظریه-  
ی بیانی هنر<sup>۶</sup> غالباً شاعر و هنرمند - خصوصاً هنرمند انفسی - در نگاه به یک منظره، گوش دادن به  
موسیقی و.. به ترسیم سیمای درونی خود و به واکاوی روانی احساس خود می‌پردازند و این واکاوی  
در مولفه‌های گوناگون - شعر، نقاشی، مولفه‌های رفتاری، مولفه‌ی شخصیتی و... - به ظهور می‌رسد.  
«از آمدن هر صورت ذهنی یک مشت صور و حالات ذهنی دیگر به خاطر آدمی باز می‌گردد و این  
موضوع خاصیت طبیعی ذهن انسان است که از هر کلمه‌ی مفهومی را، و با هر مفهومی یک سلسه‌ی  
مفاهیم دیگر را که بدان پیوستگی دارند تداعی می‌کند. از این خاصیت ذهن در کار شعر بیش از هر  
چیز دیگر می‌توان سود جست البته تا مرزی که کار به تقلید و پریشان‌گویی نکشد» (شفیعی  
کدکنی، ۱۳۷۹: ۸۹). در واقع این همان بحث مولف‌مدار بودن این احساس درونی است و این که،  
شعر نوستالژیک برآمده‌ی از شاعر نوستالژیک می‌باشد و هنر چیزی جز دغدغه‌های درونی فرد نیست  
«هنر به طور عموم و شعر و ادب علی‌الخصوص عبارت است از تناسب و هماهنگی درونی و ذهنی  
که بین وسائط و قوای معرفت حاصل می‌شود و در ظرف احساس تجلی می‌نماید» (زرین کوب،  
۱۳۸۸: ۸۱). بنابراین:

الف) نوستالژی در ادبیات رفتاری است غالباً ناخودآگاه که از شاعر یا نویسنده سر می‌زند و در  
مولفه‌های زبانی و بیانی گوناگون، در آثار آنان به ظهور می‌رسد این پدیده در حوزه‌ی نقد روانشناختی  
و در محور سبکی مولف‌مدار قابل تحلیل و بررسی است.<sup>۷</sup>

ب) روی‌آوری به هنر و ادبیات را با وجود احساس نوستالژیکی می‌توان نوعی روان درمانی برای  
هنرمند به حساب آورد - در این مورد در ادامه بیشتر بحث خواهیم کرد -.

ج) این رفتار ناخودآگاه فردی در متون ادبی مختلف از زوایای گوناگون و بنابر ملاک‌های  
مختلف می‌تواند مورد تحلیل و بررسی روانشناختی قرار بگیرد.